

# تبعیضات ناروا علیه اقلیتهای قومی و مذهبی در قانون اساسی ایران

حسین رئیسی

## مقدمه

جامعه ایران از اقلیتها و گروههای متنوع قومی، مذهبی تشکیل شده است، در یک کلام میتوان ایران را یک جامعه متکثر قومی، مذهبی شناخت. کثرت قومی و مذهبی در طول تاریخ منشأ طبقه بندی، اختلافات و تبعیضات بسیاری بین مردم بوده است، اما در زمان های مختلف با تغییر حکومتها شکل این تبعیضات با تغییر و پرو شده اند.

اقلیتهای قومی در مواردی اقلیت مذهبی نیز محسوب می شوند، نظیر کردها، ترکمنها و بلوچ ها که معمولاً پیرو مذهب رسمی کشور نیستند، و از هر دو جهت در معرض تبعیض قرار دارند، بدین سان با تبعیض مضاعف روبرو هستند.

آنچه در پی خواهد آمد، پرداختن به بسترهای حقوقی تبعیضات ناروای علیه اقلیتهای قومی و مذهبی در قانون اساسی ایران است. سایر ابعاد سیاسی- مدنی- فرهنگی- اجتماعی- تبعیضات ناروا علیه اقلیتها را میتوان در قوانین و طول زمان در تاریخ تحولات ایران یافت.

## طرح بحث

از آنجا که ساختار دمکراتیک از جمله قانون اساسی در ایران سابقه زیادی ندارد و اولین قانون اساسی ایران مربوط به سال 1285 شمسی است که بدنبال انقلاب مشروطیت تصویب شده و بلافاصله بعد از تصویب دست خوش تغییر و در هیچ دوره ای به خوبی اجرا گردیده است، مردم ایران با اهمیت حقیقی قانون اساسی آشنا نبوده و در حال و هوایی انقلابی ناشی از سرنگونی سلسله پادشاهی چندین هزار و ساله شادمان از عبور از استبداد به آزادی ابزارهای حقوقی محافظت از آزادی و تامین برابری را در نظر نگرفتند.

قانون اساسی فعلی ایران در تاریخ 12 فروردین 1358 از طریق فراندنم به تصویب مردم رسید. این قانون تامین آزادیهای مشروع، عدالت، برابری و رفع تبعیض از آحاد مردم را در بخشهایی از اصول سوم، نوزدهم و بیستم پذیرفته است،<sup>1</sup> اما همه حقوق ناشی از این قانون منوط و موکول به رعایت و پیروی از مذهب رسمی کشور یعنی شیعه 12 امامی شده است.

ضرورت انطباق همه قوانین با مقررات اسلامی که در اصل چهارم قانون اساسی<sup>2</sup> برای همیشه و پذیرش اصل ولایت فقیه و رهبری فقیه در کشور از یک طرف و تاکید بر اشتراک زبان و خط فارسی،<sup>3</sup> تمرکز قدرت سیاسی در اختیار ولایت فقیه و نیروهای تحت امر او از طرفی دیگر.<sup>4</sup> جامعه متکثر ایران را با تبعیضات و نابرابریهای مختلفی از جمله تبعیضات مذهبی و اتنیکی روبرو ساخته است، که در دو بخش مورد بررسی قرار میدهم.

## بخش نخست: تبعیض نسبت به اقلیتهای مذهبی در قانون اساسی

از آنجا که قانون اساسی ایران بر اساس باور مندی و یا غیر باور مندی به مذهب شیعه دوازده امامی در دین اسلام به عنوان آیین اکثریت مردم ایران تدوین شده است، و به نحوی که در مقدمه، اصول اول، دوم و دوازدهم آن می بینیم، این قانون نه تنها حاوی مهمترین و شدیدترین تبعیضات ناروا نسبت به اقلیتهای مذهبی است، بلکه برای برخورداری از همه حقوق و آزادیهای مشروع الزاما باید از مذهب رسمی تبعیت محض داشته باشی.

اصل 13 قانون اساسی، برخی اقلیتها مانند مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان و مسلمانان پیرو سایر مذاهب اسلامی صرفاً در حد رعایت قواعد مذهب و یا دین خود منحصر در باره احوال شخصیه آزاد دانسته است، بدین سان همه باورمندان به شیعه دوازده امامی را در جایگاه برتری از سایرین قرار داده هرچند برای آنها نیز تبعیت از اصل ولایت مطلقه فقیه مقرر ساخته که همه آنها را نیز با تبعیض روبرو می سازد.

همچنین فضیلت دادن و حقوق برتر ایجاد کردن برای یک باور و نادیده گرفتن سایر باورهای مذهبی بخصوص ناباوران به اسلام و ادیان شناخته شده در اصل دوازده، از یک طرف و تاکید اصل چهارم قانون اساسی به ضرورت همه قانونگذارها بر اساس باور مذهبی شیعی و تدوین قوانین و مقررات مختلف بر همین اساس در سالهای گذشته و هم اکنون هر نوع فعالیت مذهبی و عدم پیروی از مذهب شیعه را غیر ممکن ساخته است، و تبعیض بخشی از سیستم حاکمیتی را تشکیل داده است.

نگارنده در موارد زیادی دفاع از اقلیتهای مذهبی در پروندههای مختلف در ایران برعهده داشته ام، تجربه شخصی حاصل از این موارد تبعیض آشکار نسبت به این افراد است، بطور نمونه دفاع داستانهای ایران و قضات دادگاههای انقلاب از آراء خود علیه اقلیتهای مذهبی در جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام و به نفع گروههای مخالف نظام که طبق ماده 500 قانون مجازات اسلامی ایران<sup>5</sup> جرم محسوب میگردد، چنین است. "از آنجاییکه کلیت نظام سیاسی ایران بر اساس باور مذهبی شیعه می باشد، هر نوع فعالیت تبلیغی سایرادیان و مذاهب به منزله نفی مذهبی تشیع است، بنابراین فعالیت تبلیغی علیه نظام و جرم محسوب میگردد." این موضوع در تمام پروندههای زندانیان عقیدتی نظیر بهاییان، دراویش؛ نوکیشان مسیحی، یارسان و اهل تسنن دیده میشود.

بدین سان هر نوع فعالیت مذهبی مغایر با مذهب رسمی به شدت منع و سرکوب میگردد. بخشی از این موارد شامل است به :

1. منع انتخاب شدن بعنوان رهبر یا عضویت در شورای رهبری ایران به موجب صراحت اصل یکصد و هفتم، بموجب این اصل فقط اندکی از روحانیون شیعه در شرایط خاص از این حق برخوردار هستند.
2. منع دسترسی به تمامی مناسب سیاسی و مدیریتی و قضایی در تمامی سطوح آن. بطور مثال اصل 115 حق نامزد شدن را صرفاً برای افراد مذهبی و سیاسی قائل شده است. همچنین اصل یکصد و بیست یکم در باره سوگند قانون اساسی رئیس جمهور بخصوص آن بخش که او را پاسدار مذهب رسمی معرفی میکند.<sup>6</sup>
3. عضویت مجلس خبرگان، نمایندگی مجلس شورای اسلامی برای اقلیتهای شناخته نشده، وجود ندارد (اصل 64).
4. مشاغل قضایی برای همه اقلیت های مذهبی منع حقوقی در قانون اساسی دارد، چون در اصل 61 تمامی اعمال قوه قضاییه را طبق مقررات اسلامی مجاز دانسته، انتخاب قاضی نیز بخشی از همین روند را در بر میگیرد که در عمل مانع تصدی تمامی مشاغل قضایی برای همه اقلیتها شده است.
5. اصول 12 و 13 قانون اساسی با عدم رسمیت همه باورها به استثنای مذهب اکثریت شیعه در عمل حق برخورداری از پرستشگاه مذهبی و برگزاری آیین های مذهبی و تبلیغ مسالمت آمیز را از پیروان سایر مذاهب و آیین ها را به کلی سلب نموده است. این امر سبب تخریب تمامی امکان مورد احترام آیین بهائیت، برخی از مکانهای مقدس زرتشتیان، تخریب حسینیه درویش نعمت الهی گنابادی در قم، عدم صدور مجوز احداث مسجد برای اهل تسنن در تهران و سایر شهرستانها، از جمله این تبعیضات است.
6. تاکید اصل دوم قانون اساسی بر اینکه نظام حکومت ایران بر پایه ایمان به اصول مذهب تشیع و اجتهاد- قطعاً منظور اجتهاد فقهاء شیعه است- امکان هر گونه فعالیت آیینی، دسترسی به رسانه، انتشار کتاب برای سایر ادیان و مذاهب غیر ممکن ساخته است.
7. برتری همه جانبه اکثریت پیروان مذهب شیعه نسبت به سایر مذاهب اسلامی، اقلیت های شناخته شده و سایر اقلیت های دینی در ساختار قانون اساسی ایران به وضوح نمایان است.
8. تبعیضات ناروا نسبت به اقلیت های مذهبی بخصوص غیر مسلمانان در قانون اساسی وارجاع همه امور به موازین شرعی در قانون سبب ایجاد ساختار عدم معاشرت و در نتیجه نادیده گرفتن غیر مسلمانان به عنوان کافران به دلیل نجس پنداشتن کافران در اسلام شده است.<sup>7</sup>

سامان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فراهم شده براساس ساختار قانون اساسی ایران هر نوع اندیشه مخالف با مذهب رسمی را نفی و سرکوب می نماید. مقررات اجرایی که بر اساس قانون اساسی و با اتکاء به تاکید اصل چهارم آن مبنی بر لزوم انطباق همه قوانین با مقررات شریعت در اجتماع ایران جریان دارد، از نوعی خشونت سامان یافته علیه همه اندیشه های مخالف حکایت دارد.<sup>8</sup>

برای نشان دادن سامان یافتگی و هدفدار بودن خشونت علیه سایر آیین ها و اندیشه ها، کافی است به ماده 513 قانون مجازات اسلامی بعنوان نمونه توجه کنید. این قانون مقرر داشته است: "هر کس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیای عظام یا ائمه‌ی طاهرين یا حضرت صدیقه‌ی طاهره اهانت نماید اگر مشمول حکم ساب‌النبي باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد."

بر اساس این قانون کودک 16 ساله بهایی بنام نسیم که شخصا وکالتش را برعهده داشتیم در سال 2008 به اتهام "خندیدن" هنگام قرائت دعای صبگاهی در دبیرستانش به اهانت به مقدسات متهم و تحت تعقیب قرار گرفت و مدت دوماه از دبیرستان اخراج شد و صرفاً به دلیل اینکه همکلاسی های او از عقیده اش و دینش مطلع شدند، او را مجبور به ادامه تحصیل در دبیرستانی دیگر نمودند. در این رابطه سازمان آموزش و پرورش و دادگاه انقلاب و نیروهای امنیتی در یک ساختار هماهنگ با یکدیگر عمل کردند. چون گزارش خندیدن این کودک را یکی از مسئولین مدرسه به سازمان آموزش و پرورش داده بود، سازمان مزبور به نیروهای امنیتی گزارش کرده بودند، و آنها موضوع را به دادگاه انقلاب گزارش کردند سپس دستور دستگیری و بازرسی منزل این کودک را به نیروهای امنیتی توسط دادگاه انقلاب داده شد.

اگر ماده 513 قانون مجازات اسلامی برای صیانت از باور اکثریت (شیعه) با استفاده از حمایت قانون اساسی تصویب نمی شد، نسیم دختر دبیرستانی که نمونه کوچکی از هزاران پرونده مشابه است، مورد خشونت سیستماتیک قرار نمی‌گرفت، از تحصیل محروم نمی شد و محاکمه نمی‌گردید.

بخش دوم: تبعیض نسبت به اقلیت های قومی در قانون اساسی

مهمترین تبعیضی که نسبت به اقلیت های قومی در قانون اساسی ایران وجود دارد، در اصل 15 قانون اساسی رخ داده است، بموجب این اصل زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی شناخته شده است. با این اصل نوشتن و آموزش زبان و فرهنگ و ادبیات سایر اقوام پذیرفته نشده است. تمام ادارات دولتی و حتی سازمانهای غیر دولتی در مناطق غیر فارسی زبان ناچار هستند زبان فارسی را زبان ارتباطی و مکاتبه ای خود داشته باشند.

با وجودی که بخش دوم اصل پانزده قانون اساسی استفاده محدود از زبان و خط محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های محلی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد دانسته است، تا کنون شاهد اجرای همین میزان ناچیز نیز نبوده ایم و علیرغم اینکه اصل 15 قانون اساسی تامین کننده حقوق گروههای اقلیتی نمی باشد، در حد ناقص همین اصل نیز تاکنون غیر فارسی زبانان اجازه استفاده از زبان بومی خود در مدارس بدست نیاورده اند.<sup>9</sup>

برخی از موارد و مظاهر تبعیض نسبت به اقلیت های قومی بر مبنای قانون اساسی ایران بشرح زیر است.

1. کودکان مناطق وسیعی از ایران سالهای شروع مدرسه را در شرایط بحرانی و اضطراب سپری می نمایند، این کودکان در خانه به زبان مادری حرف میزنند، و بدون تسلط به زبان فارسی ناچارند حتی از معلمی که زبان ترکی، یا کردی، ترکمنی، بلوچی و عربی را میداند، به زبان فارسی تحت آموزش قرار گیرند، فقدان روشهای آموزشی مناسب برای این دانش آموزان، آنها را در موقعیت نابرابر با هم سن و سالان خود قرار میدهد و امکان بازمانده شدن از تحصیل در آنها بسیار است. نظلم آموزشی همه مناق ایران یکسان است، دانش آموزی که زبان مادری او فارسی است با سایر دانش آموزان بصورت یکسان آموزش میگیرند، و از هیچ روش آموزشی برای آموزش زبان فارسی برای آنها استفاده نمیشود.

2. تسلط زبان فارسی سبب عدم توجه به زبان های محلی و به تدریج تزییف و نابودی ادبیات، فرهنگ و موسیقی این زبانها را در پی داشته و خواهد داشت.

3. زبان فارسی زبان ادارات دولتی و دادگاههای دادگستری است. نوشتن و صحبت کردن به زبان فارسی برای ساکنین مناطق قومی به آسانی و روانی ساکنین مناطق فارسی زبان نیست، بنابراین به دلیل عدم استفاده از مترجم در دادگاهها و در ادارات دولتی حقوق مردم مناطق قومی امکان تضييع بیشتر دارد.<sup>10</sup>

4. زبان و ادبیات بعنوان یکی از ابزارهای توسعه انسانی شناخته میشوند، عدم رواج رسمی زبانهای محلی در مناطق قومی ایران یکی از عوامل توسعه نیافتگی مناطق قومی ایران محسوب میگردد.

5. تسلط زبان فارسی در سالیان متمادی نوعی ناسیونالیست فرهنگی در ایران ایجاد کرده که به تدریج زبانهای بومی و قومی را نادیده گرفته و به زبان فارسی منزلت برتر داده و موقعیت نابرابر برای زبان های قومی و محلی فراهم نموده است.

اگر چه ممکن است گفته شود آموزش زبان مادری میتواند مانع دست یابی کودکان در آینده به دانشگاههای فارسی زبان گردد، در پاسخ این ایراد میتوان گفت آموزش زبان فارسی در ابتدای آموزش رسمی برای کودکی که زبان فارسی زبان مادری او نیست، اضطراب شدید، و عدم برابری در فراگیری در یک سیستم یک پارچه و سراسرس در تمام کشور را برای کودکان بلوچ، ترکمن، کرد یا ترک که زبان فارسی را نمیداند فراهم می نماید. این نابرابری میتواند سبب باز ماندن از آموزش همه جانبه و ترک تحصیل در سالهای اولیه آموزش گردد و هرگز آنها را به دانشگاه نزدیک نکند. در حالیکه آمارها نشان از بالا بودن آمارهای بازماندگان از آموزش و تحصيل در مناطق قومی بیش از سایر مناطق دارند.<sup>11</sup>

از آنجاییکه خشونت رسمی به هر نوع عمل سامان یافته و مستمری که به درد و رنج عده ای منجر میشود تعریف میگردد، الزام به فراگیری زبان غیر مادری در سنین اولیه آموزش رسمی سبب ایجاد درد، رنج و بازماندن از تحصيل قبل از پایان دبیرستان افزایش داده است. این مشکل در باره دختران بیش از پسران به ویژه در عشایر کوچ نشین ترکمن صحرا بیشتر است، به نحوی که جامعه قومی ترکمن صحرا با این مشکل سخت روبرو است.<sup>12</sup>

البته آموزش زبان غیر مادری و نابرابری در داشتن امکانات آموزشی و دسترسی به معلمین بهتر سهم ساکنان حاشیه ها و مناطق بومی غیر فارسی زبان همزمان با هم در حال اتفاق است، هنوز کودکانی در مناطق سیستان و بلوچستان هستند که در "کپر" مدرسه شان دایر میشود، مناطقی از عشایر خراسان شمالی که به نوشته رونامه خراسان شمالی کودکان در 29 کانکس سیار بدون امکانات اولیه به مدرسه میروند، و یا سوختن دختران مدرسه شین آباد از مناطق کردستان در آتش ناشی از بخاری غیر استاندارد مدرسه بخشی از ساختار تبعیض رسمی و سیستماتیک علیه کودکان اقلیت های قومی است.<sup>13</sup>

#### نتیجه:

تبعیض نسبت به گروههای قومی و مذهبی غیر باورمند به مذهب مورد نظر حاکمیت در ایران و استمرار آن در مواقعی با واکنش گروههای مدنی و فرهنگی روبرو شده است. تنیده گی مقررات شریعت اسلامی - شیعی در همه ابعاد حقوقی، پنداشتن هر نوع مخالفت با این تبعیضات به مثابه مخالفت با اساس اسلام و اساس حاکمیت در پی داشته است.

همراهی نیروهای امنیتی، سپاه پاسداران و قوه قضاییه با ایدئولوژی برآمده از اصول قانون اساسی، بخصوص اصل اسلامی بودن و حاکمیت نظریه ولایت فقیه، از یک طرف و ادعای قانونی بودن همه اقدامات بر اساس اصول قانون اساسی، مخالفت با اشکال مختلف تبعیض را ایستاده گی در مقابل نظام حکومتی تلقی می نماید.

بر همین اساس برداشت حقوقی از قانون اساسی و تبعیضات مندرج در آن همواره عدم انطباق رفتارهای موجود علیه اقلیت ها با موازین حقوق بشر بین الملل را با پاسخ تند ایران و ادعای رای اکثریت مطلق بیش از 98 درصد مردم ایران به قانون اساسی در سال 1358 به همراه دارد.

مجموع شرایط و تبعیضات نسبت به اقلیت های قومی و مذهبی که در این مقاله به آنها اشاره کردم جو حاکم بر اقلیت های مذهبی و قومی را امنیت محور ساخته است، چون هر نوع فعالیت مدنی، فرهنگی و مذهبی نظیر انجمن های محلی، کلاس های آموزشی برای اقلیت ها و نظیر این ها را حاکمیت ایران در تضاد با امنیت کشوری پندارد.

این شرایط سرکوب شدید همه فعالین ائتییکی و مذهبی را با خود داشته، به نحوی که "زندگی روزمره" همه اقلیت ها را دشوار و متاثر از این شرایط امنیتی ساخته است.

درخاتمه میتوان گفت که توسط قانون اساسی مبتنی بر تبعیضات در ایران ساختار حقوقی مستقر کرده است که بصورت سیستماتیک دیده میشود. تبعیضات ناروا علیه اقلیت ها با پشتیبانی قانون اساسی بوسیله قوانین و مقررات عادی توسعه یافته و در سراسر ایران در حال اجرا است. در نتیجه شرایط تبعیض آمیز به نهادینه شدن فرهنگ تبعیض و خشونت علیه همه اقلیت ها منجر شده است.

#### پی نوشت

<sup>1</sup> بخشهایی از قانون اساسی که حاوی تضاد و تعارض برای رفع تبعیض است عبارتند از: بند نه اصل سوم "رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی." بند چهارده اصل سوم "تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون." اصل نوزدهم: "مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود." اصل بیستم: "همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند."

<sup>2</sup> اصل چهارم قانون اساسی ایران: "کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهاء شورای نگهبان است. اصول دوم و یکصد و نهم قانون اساسی.

<sup>3</sup> اصل یکصد و نهم قانون اساسی، در وظایف و اختیارات رهبر در ایران.  
<sup>4</sup> ماده 500 قانون مجازات اسلامی: "هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروهها و سازمانهای مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد."

<sup>5</sup> اصل 115 قانون اساسی: "رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.

<sup>6</sup> توضیح المسائل ایت الله خمینی (نسخه الکترونیکی) شماره 83 نجاسات را یازده مورد بر می شمارد، از جمله آنها کافر است. متن نظر را در اینجا ببینید.  
<sup>7</sup> گزارش دویچه وله برخی از انواع فشارها بر اقلیتهای دینی و مذهبی مختلف را بر اساس گزارش دیپان حقوق بشر نشان میدهد. گزارش سازمان عفو بین الملل در همین رابطه مواردی را روشن می سازد.

<sup>8</sup> اصل 15 قانون اساسی: "زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است."

<sup>9</sup> نگارنده بعنوان وکیل دادگستری ایران با پرونده های مختلفی که یکی از طرفین پرونده زبان مادری او فارسی نیست روبرو شده ام، در یک مورد در باره شخصی که بناحق در پرونده قتل عمدی در یکی از شهرستانهای فارس زبان متهم شده بود، او به دلیل عدم تسلط به زبان فارسی سوالات اولیه در زمان تحقیقات پلیس را به خوبی پاسخ نداده بود و بر اساس آن به قتل عمدی متهم شده بود.

<sup>10</sup> کارشناسان محرومیت از استفاده از زبان مادری را یکی از دلایل مهم افت تحصیلی یا بازماندن از تحصیل در کودکان منطق قومی می دانند. نظرات و برخی آمارها را در اینجا ببینید.

<sup>11</sup> وب سایت یاغی ترکمن صحرا با اتکاء به اطلاعات محلی دقیق به خوبی مشکل آموزشی کودکان این مناطق اقلیتی را نمایان می نماید، برای اطلاعات بیشتر به اینجا مراجعه نمایید.

<sup>12</sup> یونامه خراسان شمالی شماره 17983 موزخ 25/08/1392

